

احمد ساجدی

همدان

همدان

(۶)

ابومنصور ثعالبی در کتاب مشهور خود تمیمه‌الدهر در صفحه ۱۴ در شرح حال خوارزمی می‌گوید اهمیت و عظمت برای وی برقرار بود تا اینکه سنگی از ناحیه همدان بطرف او پرتاب شده و گرفتار مناظره بدیع‌الزمان همدانی گردید و با چیزی که ابدأ بخاطرش خطور نمی‌کرد رو برو شد در نتیجه این پیش آمد شرمگین و سرافکنده شده و یکسال بیشتر براو نگذشت که جان بجان آفرین تسلیم نمود اما در شرح بدیع‌الزمان ثعالبی چنین مینویسد در ذکاوت و قریحه و سرعت خاطر و ضیاء ذهن و قوه نقل نظیر بدیع‌الزمان دیده نشده و کسی در نظم و نثر پیاپی او نرسیده نه تنها دیده نشده بلکه شنیده هم نشده که کسی مثل او بکنه ادبیات رسیده باشد.

چنانچه عصبیت سنت تقدم‌زمانی را در قضاوت موضوع دخالت ندهیم بین سخنوران و شعرای معاصر همدان به بدیع‌الزمانهائی برخواییم خورد برای نمونه تنها غزلی از مرحوم آزاد همدانی یسارداشت و نظریه داوران این غزل مسابقه‌را که از طرف آنها بمجله ارمغان نوشته شده از نظر خوانندگان گرامی میگردانند.

خدمت استاد هضم‌مدیر محترم مجله ارمغان دامت فاضانه برای تشخیص بهترین

غزل از غزل‌های استقبالیه غزل مسابقه شیخ‌الرئیس افسر که در شماره‌های پنجم ارمغان طبع شده و تعیین اینکه کدام یک از شعراء و فضیله دور و نزدیک گوی مسابقه را در این میدان ربوده‌اند برحسب تقاضای شما هیئتی از طرف انجمن منتخب و پس از امعان نظر و انتقاد غزل شاعر دانشمند شیخ‌علیمحمد آزاد همدانی را بر سایر غزل‌های استقبالیه ترجیح دادند اینک انجمن ادبی بوسیله گرامی مجله ارمغان طبع روان دانش توأمان آن مهین شاعر دانای همدانرا آفرین و تبریک گفته انتظار دارد که انجمن ادبی همدان که خوابگاه بوعلی و بدیع‌الزمان است بدستیاری چنان سخن‌سنجان قوی پایه در این دوره که حیات ادبی باستانی ایران در شاهراه تازگی و تجدید قدم بر میدارد و همواره خدمات بزرگ بعالم شعر و ادب انجام داده پیشقدمی نخستین را از سر گیرد.

سواد تصدیق مصدق هیئت مزبور برای درج ارسال گردید شعبان ۱۳۴۳
اینک غزل مسابقه .

ای شمع بیزم امشب اشک از تو و آه از من
آراستن مجلس نگاه از تو و گاه از من
فرمود به میر عشق شاهنشاه ملک حسن

در غارت شهر دل حکم از تو سپاه از من

ای لطف توام شامل وی مهر توام در دل
پیوسته چنین بودست عنواز قو گناه از من

ای چرخ اگر داری با ما سر هم چشمی
بنمای که بنمایم مهر از تو و ماه از من

بیشبهه ستم زشت است خواه از من و خواه تو از
البته وفا خوبست خواه از تو و خواه از من

این راه بهر تدبیر بایست به پایان برد
تا چند گران جانی گاه از تو و گاه از من
ای مالک بی انصاف این شرط مسلمانان است
رنج از من و گنج از تو گندم ز تو کاه از من
زین قوم کله برادر عمامه بسر طرار
ز تهار که بر بودند تاج از تو کلاه از من
آزاد چو این بستان سر سبز نخواهد ماند
آن به که بهم سازیم گل از تو گیاه از من
باقی چون خواهد ماند دوران غم و شادی
آن صبح سفید از تو وین شام سیاه از من

در سال ۶۹۵ هجری با پندرخان مغول در همدان تاجگذاری کرد و شهر
را تعمیر نمود در سال ۱۱۳۸ همدان بتصرف احمد پادشا که والی عثمانی
بود افتاد ولی شش سال بعد نادر شاه شهر را از آنها گرفت. مجدداً در سال ۱۷۳۱
زمان شاه طهماسب همدان بدست ترکان افتاد.

گنبد علویان از آثار آخر سلسله سلجوقیان و دو قبر دارد مربوط به علویان یکی از
آنها قبر علی همدانی از افراد خاندان علوی که در قرن ششم می زیسته می باشد.
یکی دیگر از آثار قدیمه برج قربان است که دارای برج دوازده ضلعی
است آنرا مسجد ابوالعلاء یا برج قربان مدفن شیخ الاسلام حسن ابن احمد عطار که
در ۵۲۱ می زیسته و بغلط بحافظ ابونعیم مشهور شده است.

شهر همدان دارای ۱۷۰۰۰۰ جمعیت میباشد با توجه به آب
و هوا و کوه و دره های سبز و زیبا همیشه مرکز شعر و ادب بوده نویسدگان و

شعراى معروفى مانند بدیع الزمان از آن برخاسته و از شعراى قرون اخیر همدان عراقى جاوید میتوان نام برد . در سنوات اخیر یعنی از سالهاى سیصد تا سیصد و بیست انجمن ادبى همدان با شرکت عدهاى از ادبا و شعر و نویسندگان نامى مانند استاد فقید موسى نثرى و شعراى عالی مقامى چون غمام . آزاد الفت اصفهانى . نیسان . شهشهانی تشکیل و بسا تشریک مساعى انجمن ادبى ایران که در تهران بریاست مرحوم شاهزاده افسر و عضویت شادروان ملک الشعراء بهار و استاد فقید وحید دستگیردى مؤسس اولیه انجمن و عدهاى از شعراى نامى تشکیل میشد قسمتى از تکلفهاى شعرى را که قدما پابند آن بوده از قبیل قاعده دال و ذال که از قافیه کردن آن دوبا هم خوداوى میکردند منسوخ و به انجمنهاى سایر استانها اعلام داشتند گوینده فقید سید عبدالحسین شهشهانی متخلص به نیسان در این شعر بدان اشاره میکند .

بدال و ذال چکار آنکه رخس معنى را

برون جهاندى از ین تنگناى کون و فساد

در دیوان غمام نیز با بیانی روشتر اینگونه تکلفها از راه شعر و ادب

برداشته شده

دال با ذال کنم قافیه و با کى نیست

زانکه بغداد همان بانگ پریراد کند

از شعراى غزلسرای همدان که در حیات میباشند آقایان

سید کاظم غمامى متخلص به نوا . صادق واله . محمود واله . حسینی داور .

سید احمد هدایتى متخلص - به صابر . گوهر بنان مهدى غمامى . اکبر امینا .

دیچور . و احمد ساجدى را میتوان نام برد .